

# سیاست و حکومت در اروپا

دکتر سید محمد طباطبایی

تهران

۱۳۹۷

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	بخش اول: شکاف‌های فعال سیاسی در اروپا
۱۱	فصل اول: مفهوم شکاف یا گسل سیاسی
۱۵	فصل دوم: مردم‌مداری و قانون‌مداری عامل گسترش شکاف‌های سیاسی
۲۰	فصل سوم: مهم‌ترین شکاف‌های فعال اروپایی
۲۲	۱. تضادهای طبقاتی و سیاست در اروپا
۲۸	۲. شکاف مذهبی و رابطه میان دولت و کلیسا
۴۰	۳. راست و چپ اروپایی، دو گرایش سیاسی رقیب و متضاد
۴۶	۴. انقلاب پساصنعتی و گسل‌های اجتماعی و سیاسی جدید در اروپا
۵۵	۵. یوروسپتیسیسم عامل جدایی و همبستگی جدید
۶۰	۶. سرزمین و سیاست در اروپا و شکاف‌های اقلیمی
۶۳	بلژیک
۶۵	سلطنت متحده
۶۶	اسکاتلند
۶۸	ولز
۶۹	اولستر
۷۱	آلمان فدرال
۷۲	اسپانیا
۷۴	کاتالونیا
۷۶	باسک
۷۸	فرانسه
۸۱	کرس
۸۲	باسک

صفحه	عنوان
۸۴	آلزاس
۸۶	برتانی
۸۷	ایتالیا
۹۲	پادانیا و شکاف شمال و جنوب
۹۵	جمع‌بندی
<b>بخش دوم: قوه مقننه و پارلمان‌های اروپایی</b>	
<b>فصل اول: کارکرد و نقش نمایندگی مردم</b>	
۱۰۰	۱. سیستم مونو کامرالیسم یا تک مجلسی
۱۰۱	۲. سیستم بی کامرالیسم یا دو مجلسی
۱۰۲	مجالس عالی قدیم و مجالس ثانویه جدید
۱۰۴	تاریخچه پیدایش مجالس عالی در اروپا
۱۰۵	ترکیب و عملکرد مجالس عالی اروپایی
۱۰۶	مجالس عوام قدیم و مجالس ملی جدید
۱۱۵	برتری مجالس ملی نسبت به مجالس عالی
۱۱۶	ترکیب و عملکرد مجالس ملی اروپایی
۱۱۷	۳. دوره نمایندگی در مجالس ملی و عالی
۱۲۴	
<b>فصل دوم: کارکرد تصمیم‌گیری و نقش قانون‌گذاری</b>	
۱۲۷	۱. تعامل میان قوه مقننه و قوه مجریه
۱۲۷	۲. تقسیم کار میان مجالس عمومی و کمیسیون‌های قانون‌گذاری
۱۳۲	۳. ترکیب و سازماندهی کمیسیون‌های قانون‌گذاری
۱۳۳	
<b>فصل سوم: کارکرد کنترل و نقش نظارتی</b>	
۱۳۷	۱. رأی عدم اعتماد و مسئولیت هیئت دولت در مقابل مجلس
۱۳۸	طرح سؤال
۱۴۴	استیضاح
۱۴۵	کمیسیون‌های تحقیق و تفحص
۱۴۷	۲. تصویب بودجه و اهرم فشار مجلس در مقابل دولت
۱۵۰	جمع‌بندی
۱۵۲	
<b>بخش سوم: قوه مجریه و سازماندهی دولت‌های اروپایی</b>	
<b>فصل اول: سازمان سیاسی جوامع بشری و اروپایی</b>	
۱۵۷	۱. دولت، حکومت و رژیم سیاسی
۱۵۷	

صفحه	عنوان
۱۶۳	۲. نظریه تفکیک قوای سه گانه
۱۶۴	تحولات مفهومی تفکیک قوا
۱۷۱	اشکال اجرایی تفکیک قوا
۱۷۲	سیستم اختلاط قوا یا انقیادسازی قوا
۱۷۴	سیستم جدایی قوا یا تفکیک کامل قوا
۱۷۶	سیستم مشارکت قوا یا تفکیک نسبی قوا
۱۷۸	<b>فصل دوم: تعریف و سازماندهی قدرت اجرایی</b>
۱۸۰	۱. سیستم ریاستی یا قوه مجریه مونوسفال
۱۸۱	جایگاه سیاسی و ساختار حقوقی
۱۸۴	قدرت اجرایی و ریاست جمهوری در ایالات متحده
۱۹۳	۲. سیستم پارلمانی یا قوه مجریه بی سفال
۱۹۵	جایگاه سیاسی و ساختار حقوقی
۱۹۹	«سلطنت متحده» نماد قوه مجریه دورآسی
۲۰۷	<b>فصل سوم: رئیس دولت و رئیس حکومت در قوه مجریه دورآسی</b>
۲۰۷	۱. رئیس دولت در اروپا
۲۰۸	نحوه تعیین یا انتخاب
۲۰۸	سیستم موروثی
۲۰۹	انتخابات مستقیم
۲۰۹	انتخابات غیر مستقیم
۲۱۱	کارکرد و صلاحیتها
۲۱۱	نقش نمادین و تشریفاتی
۲۱۲	نقش تضمین قوانین و نهادهای سیاسی
۲۱۲	نقش داور و موازنه گر
۲۱۷	۲. رئیس حکومت در اروپا
۲۱۸	انتخاب رئیس هیئت دولت یا نخست وزیر
۲۲۵	تعیین وزیران یا اعضای هیئت دولت
۲۲۸	الزامات پارلمانی
۲۳۰	الزامات سیاسی
۲۳۶	الزامات اجتماعی
۲۴۰	۳. سلسله مراتب وزیران در هیئت دولت های اروپایی
۲۴۱	مطالبات سیاسی و تقاضاهای مشارکتی احزاب
۲۴۲	ضرورت های حکومتی و الزامات کارکردی و شخصیتی

صفحه	عنوان
۲۴۴	معاون نخست‌وزیر یا صدراعظم
۲۴۷	وزیران ارشد یا دولتی
۲۵۱	وزیران متعارف یا وزیران مسئول وزارتخانه
۲۵۳	وزیران مشاور یا مشاوران دولتی و پارلمانی
۲۵۵	جمع‌بندی
	بخش چهارم: تحزب و احزاب سیاسی در اروپا
۲۶۲	فصل اول: همزادپنداری تحزب و دموکراسی در اروپا؟
۲۶۷	فصل دوم: شر لازم‌ی به نام حزب سیاسی در اروپا
۲۷۳	فصل سوم: تصدیق دیرهنگام احزاب سیاسی توسط قوانین اساسی اروپایی
۲۷۴	۱. ساختار قراردادی احزاب سیاسی
۲۷۶	۲. احزاب ممنوعه اروپایی
۲۸۰	فصل چهارم: احزاب سیاسی و مونوپولیزه کردن قدرت
۲۸۵	فصل پنجم: سازمان احزاب سیاسی در اروپا
۲۸۶	۱. احزاب کادر یا خواص
۲۸۷	۲. احزاب توده‌ای یا عوام
۲۸۸	۳. احزاب فراگیر یا انتخاباتی
۲۹۰	۴. احزاب کارتلی یا دولتی
۲۹۵	فصل ششم: ایدئولوژی احزاب اروپایی و خانواده‌های حزبی
۲۹۸	۱. احزاب لیبرال
۳۰۴	۲. احزاب محافظه‌کار
۳۰۸	۳. احزاب راست رادیکال
۳۱۴	۴. احزاب دموکراسی مسیحی
۳۱۸	۵. احزاب سوسیالیست و مشتقات آن
۳۲۷	۶. احزاب فراجناحی: اکولوژیست و منطقه‌گرا
۳۲۸	احزاب اکولوژیست و سبز
۳۳۱	احزاب محلی و منطقه‌ای
۳۳۳	۷. احزاب میانه یا مرکزگرا
۳۳۷	جمع‌بندی
۳۳۹	سخن پایانی
۳۴۱	کتاب‌نامه
۳۴۷	نمایه

تقدیم به شهیدان مدافع حرم  
در پرتوی امنیت ناشی از جان‌فشانی‌های این عزیزان،  
مجال نگارش کتاب حاضر فراهم آمد ...

## مقدمه

همان طور که می‌دانیم قاره کوچک اروپا از تاریخ بزرگی برخوردار است و دستاوردهای گرانمایی برای بشریت در حوزه‌های مختلف علمی و سیاسی به ارمغان آورده است. قاره اروپا یکی از مکان‌های اولیه پیدایش تمدن‌های بشری و در نتیجه شکل‌گیری دولت‌ها و حکومت‌ها در اشکال مختلف خود در طول تاریخ بوده است. با پیشرفت مفهوم دولت در گستره زمان، از دولت‌های ابتدایی قبیله‌ای تا دولت‌های مترقی ملی، مدل‌های حکومتی و روش‌های حکومت‌مداری نیز در اروپا سیر تکاملی خود را طی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های سیاست و حکومت در اروپا، رشد و نمو پیوسته اندیشه‌های سیاسی و حکومتی در قاره سبز است. در نهایت در خلال قرون نوزدهم و بیستم، به تدریج شاهد تثبیت رژیم‌های سیاسی لیبرال و دموکرات مبتنی بر آراء و اندیشه‌های «لیبرال دموکراسی» در اروپا هستیم. آنچه ما امروزه از آن به عنوان «دموکراسی‌های غربی» همراه با مزایا و معایب مختلف آن یاد می‌کنیم، در این بخش از دنیا استقرار یافته و سازوکار امور سیاسی و حکومتی اروپایی به واسطه آن در گردش و چرخش است.

اگر قائل به طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی دولت‌ها و حکومت‌ها بر اساس یک سری اشتراک و الگوهای مشابه و سازگار با هم باشیم، اروپا همواره شاهد مجموعه‌هایی از واحدهای سیاسی و حکومتی به هم پیوسته و در هم تنیده بوده که بیشترین ارتباط و چسبندگی متقابل را در طول حیات تاریخی خود به وجود آورده است. بدین ترتیب، در قاره سبز، سیر تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واحدهای سیاسی منسجم، نه به صورت مجزا و جدا از یکدیگر، بلکه در قالب مجموعه‌هایی وابسته و پیوسته به یکدیگر صورت گرفته است. پس همواره صحبت از وجود اشتراکات و تعلقات خاطر و حتی نوعی نگرش و بینش مشابه و نزدیک به هم نسبت به مسائل انسانی و سیاسی در قاره اروپاست، امری که موجبات همکاری، هماهنگی، همسویی، همراهی، همبستگی و حتی همگرایی در قالب «اتحادیه اروپایی» را بر اساس ضرورت‌های زمانی و مکانی و نیازها و الزامات سیاسی و حکومتی به وجود آورده است.

در کتاب حاضر تلاش شده است تا با تکیه بر اصول و مبانی مشترک نظری و عملی موجود میان دولت‌های اروپایی، توسعه و رشد ساختارهای سیاسی و حکومتی و تغییر و تحول نهادها، سازمان‌ها و احزاب اروپایی، همچنین ماهیت و کارکرد تأسیسات دموکراسی، زیرساخت‌های لیبرالیستی و سرانجام الگوها و اسلوب‌های لیبرال دموکراسی در قاره سبز مطالعه و بررسی شود. در واقع، متعاقب پیدایش اشکال جدید و تکامل یافته تری از دولت و تثبیت تدریجی سیستم دولت - ملت و ترکیب آن با آراء و اندیشه‌های جدید اروپایی با محوریت تره‌های لیبرال دموکراتیک، شاهد پیدایش دولت‌های ملی نوینی هستیم که بر اصول پلورالیسم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأکید بسیار می‌ورزند. این دولت‌های کثرت‌گرا، گام‌های کم و بیش مشابهی در طول قرون نوزدهم و بیستم در مسیر مدرنیزاسیون و پلورالیزاسیون جوامع و ساختارهای سیاسی و حکومتی برداشته‌اند و سرانجام توانستند اصول و مبانی نظام‌های لیبرال دموکراسی را در اروپای غربی و سپس در اروپای شرقی در طول قرن بیست و یکم پی‌ریزی کنند.

در واقع، کتاب حاضر به دنبال این موضوع است که آیا در هزاره سوم می‌توان کماکان از الگوهای ثابت و یکسانی در ساخت و کارکرد سیستم‌های سیاسی و حکومتی اروپایی صحبت به عمل آورد؟ با توجه به آن که گسترش آراء و اندیشه‌های لیبرالیستی و اصول و مبانی دموکراسی، زیربنای شکل‌گیری و عملکرد سیاسی دولت‌های مدرن اروپایی بوده است، بنابراین کتاب سیاست و حکومت در اروپا به دنبال نشان دادن این موضوع است که تحولات ساختاری و کارکردی نهادهای اروپایی همواره مدل‌های بالنسبه ثابت و مشابهی از توسعه و رشد و پیشرفت نظام دولتی و حکومتی در قاره سبز موسوم به «الگوی اروپایی» را به ارمغان آورده است. گسترش جامعه مدنی در اروپا با هدف حفظ ثبات و امنیت سیاسی و با تکیه بر ارزش‌های لیبرالیستی و دموکراتیک، همواره حول دو اصل بنیادین در حال تعادل و تکامل پوپولیسم (مردم‌مداری) و کنستیتوسیونالیسم (قانون‌مداری) بوده است. به طور کلی هر دو اصل حاکمیت مردم و حاکمیت قانون از قابلیت جهت‌دهی به پویش‌های سیاسی، سازه‌های دولتی و ساختارهای حکومتی و حفظ تعادل و توازن میان اشکال و مدل‌های مختلف آن در قاره اروپا برخوردارند. هرچند که در گذر زمان، به مرور مردم‌مداری کم‌رنگ‌تر شده و از جلوه‌های آن کاسته شده است و قانون‌مداری پررنگ‌تر شده، جایگاه فراخ‌تری می‌یابد.

مطالعه پیشینه قاره اروپا و تحولات طولانی و تجربه تاریخی دولت‌سازی و



حکومت‌گردانی در آن، عالمان و عاملان سیاسی<sup>۱</sup> را با الگوهای یکسان و منابع هویتی مشترکی برگرفته از تمدن هلنیسم (یونان و روم) و دین مسیحیت (کاتولیسیسم، ارتودوکسی و پروتستانیسم) مواجه می‌سازد. در واقع، تمدن هلنیسم و دین مسیحیت به منزله دو ستون بنیادینی هستند که همراه با فراز و فرودهای خود، ریشه و منبع اصلی تحولات سیاسی و شکاف‌های اجتماعی قاره اروپا در پیوستار تاریخ بوده‌اند. از تعاملات دولت - شهرهای یونان و سابقه علم مداری آن‌ها تا حاکمیت امپراتوری مقتدر روم و سابقه حکومت مداری آن، از پیدایش مسیحیت و گسترش آن تا سیطره سیاسی و حکومتی مذهب بر اروپا، از دوره تاریکی و جهالت قرون وسطی و جزم‌گرایی و دادگاه‌های تفتیش عقاید (انکیزیسیون) آن تا عصر درخشندگی و تنویر افکار رنسانس و انسان‌مداری و دین‌ستیزی متعاقب آن، همواره مجموعه‌هایی در هم تنیده، به هم پیوسته و حتی خویشاوند از دولت - شهرها، دولت - مذهب‌ها و دولت - شاهی‌های اروپایی، خط سیر واحد و مسیر مشترکی را، در تلاقی با هم و نه در تباعد از یکدیگر، طی طریق کرده‌اند. پس از آن، متعاقب انقلاب‌های صنعتی و ملی و برقراری مدل‌های جدید حاکمیتی، باز هم دولت‌های اروپایی، با هم و نه جدای از هم، تجربه‌ای مشترک از دولت - ملت‌های جدید را می‌آزمایند. هم‌چنان که گذر از نظام اجتماعی و اقتصادی فنودالیت به نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) و طی مراحل سه‌گانه آن موسوم به سرمایه‌داری تجاری (مرکانتیلیستی)، صنعتی و در نهایت مالی (امپریالیستی) به صورت دسته‌جمعی نیز حکایت از همگامی و همراهی مردمان قاره اروپا دارد.

اگر اولین معادل تاریخی و تجربی نظام بین‌المللی نهادینه شده را سیستم چندقطبی موازنه قوا بدانیم که از فردای رنسانس و به طور مشخص از کنگره وستفالی پا به عرصه وجود گذاشته است، درحقیقت این سیستم جهانی محصول همکاری و تشریک مساعی دولت‌های بزرگ اروپایی بوده که توانستند کلیتی منسجم و شبکه‌ای سازمانی از تعاملات سیاسی مشترک و متقابل میان خود شکل دهند. بدین ترتیب به مدت چند قرن «سیستم اروپایی» نظام بین‌الملل مسلط و مسخر بر جهان بوده است. در این دوران طولانی، ساختار ارتباطات و توزیع قدرت

۱. در کتاب حاضر از اصطلاح «عالمان و عاملان سیاسی» در توصیف دو گروه سیاست‌شناسان و سیاست‌ورزان استفاده می‌شود. در واقع در یک طرف اندیشمندان، کارشناسان و استادان علم سیاست قرار دارند که به آن‌ها «Politologue» گفته می‌شود و تجربه علمی و فهم آکادمیک سیاست را دارند؛ در طرف دیگر، مجریان سیاست با عنوان دولت‌مردان، حکومت‌مداران و عمل‌کنندگان به سیاست قرار دارند که از آن‌ها با عنوان سیاست‌مدار «Politicien» برخوردار از تجربه عملی و اجرایی سیاست یاد می‌شود.

میان هفت دولت اروپایی، در سیستم موازنه قوای شاهی (از کنگره وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا کنگره وین در سال ۱۸۱۴)، و میان پنج دولت اروپایی، در سیستم موازنه قوای ملی (از کنگره وین در سال ۱۸۱۵ تا کنفرانس های صلح پاریس در سال ۱۹۱۹) به نظام روابط بین الملل چندقطبی شکل می دهد. از قرن بیستم، ضعف و فتور دولت های قاره اروپا، متعاقب دو جنگ جهانی ویرانگر، به حیات سیاسی سیستم اروپایی خاتمه داده، جای خود را به سیستم عالمگیر دوقطبی از فردای جنگ جهانی دوم می دهد. از آن پس اروپای تضعیف شده ناچار است جای خود را به بازیگران هژمونیک و سیستم ساز جدیدی در شرق و غرب کره زمین بدهد و به ایفای نقشی فرعی و حاشیه ای در قالب سیستم بین الملل جدیدی پردازد. البته بازیگران قدیمی و پرآوازه اروپایی همواره خواهان از سرگیری نقش تاریخی و پرافتخار خود در عرصه جهانی بوده و هستند. با فروپاشی ساختار دوقطبی، در دوران پساجنگ سرد، تا حدودی این فرصت برای اروپا مهیا می گردد تا از قالب بسته زیرسیستمی تابع و منفعل بیرون آید و با ایجاد هویتی مستقل و ساخت بنایی مشترک به نام «اتحادیه اروپا» به ایفای نقشی پررنگ تر در نظم نوین جهانی پردازد. هر چند که با انباشت موانع و مشکلات بسیار عمارت وزین اروپایی، روز به روز متزلزل تر و نابسامان تر رخ می نماید.

با توجه به جایگاه برتر اروپا در نظام بین الملل و دستاوردهای عظیم اروپاییان در حوزه های مرتبط با سیاست، دولت مداری و حکومت گردانی و آراء و اندیشه ها و سازوکارهای مربوط به آنها، آشنایی هرچه بیشتر با اروپا بر اساس درک و فهم رفتارها و ساختارهای سیاسی اروپایی، امری ضروری و لازم به نظر می آید. در واقع با شناخت کامل و سپس تجزیه و تحلیل ماهیت و کارکرد نهادها و سازه های دولتی و حکومتی، همراه با الگوها و روش های آزموده شده اروپایی در مدیریت نظام های سیاسی داخلی و بین المللی، مزایا و معایب علمی و عملی لیبرال دموکراسی غربی را ارزیابی کنیم و از این رهگذر، بهترین ها را برای کشور عزیزمان به کار بندیم. البته در این امر، نباید از بومی سازی دانش غربی و تلفیق الگوها و اسلوب های اروپایی با چند هزار سال سابقه درخشان سیاست ورزی و دولت مداری ایرانی غافل شویم.

بنابراین به نظر می رسد که نوشتار حاضر بتواند برای عالمان و عاملان سیاسی کشورمان در توسعه باب ارتباطات و تعاملات علمی و عملی با اروپای تجربه آزموده، مفید و مؤثر باشد. البته ایران کهن از دیرباز با اروپای متمدن دارای تعاملات گسترده ای به صورت های دوستانه و خصمانه، در حوزه های دیپلماسی و استراتژی بوده است. اما با شناخت کامل تر ساختارها و

سازوکارهای اروپایی به همراه نقاط ضعف و قوت آنها، شاید بهتر بتوانیم از روی آگاهی‌مداری و خردورزی و نه بر اساس شیفتگی و وادادگی، روابط سیاسی متقابل را به صورت بهینه‌تری ساماندهی کنیم. اگر در غرب از فردای رنسانس کرسی‌های دانشگاهی و مطالعاتی «شرق‌شناسی» و «ایران‌شناسی» ابزاری برای سلطه و نفوذ سیاسی در کهن دیار ما بوده است، دیگر نوبت به جبران تأخیر و شناخت عمیق غرب و اروپا با ایجاد کرسی‌های علمی «غرب‌شناسی» و «اروپا‌شناسی» در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور عزیزمان به منظور برقراری ارتباطاتی سازنده و برابر است. البته تجربه تلخ مداخلات دولت‌های اروپایی طی قرون گذشته در امور داخلی ایران و سپس ترغیب و الزام به الگوگیری خام از روش‌ها و مدل‌های تجویزی سیاستی و حکومتی آنها، هیچ‌گاه به طور کامل برای ما مفید و مثمر نبوده است. در واقع صرف تقلید صوری و به کار بستن کورکورانه و بدون غربالگری اندیشه‌ها و الگوهای بی‌کیفیت که در مبدأ خود خالی از عیب و اشکال نبوده‌اند، بدون شناخت دقیق جوهر دموکراسی و ذات لیبرالیسم غربی و ارزیابی مزایا و معایب آشکار و نهان آنها، هیچ‌گاه سودمند به حال ایران عزیز نبوده و نخواهد بود.

بدین ترتیب نگارش کتاب حاضر، به همراه آثاری که در مورد نظام‌های سیاسی و حکومتی اروپایی به رشته تحریر در آمده و خواهند آمد، همگی به منزله پشتوانه‌هایی علمی و مراجعی دانشگاهی برای شناخت بهتر و درک عمیق‌تر بسیاری از اندیشه‌ها و ساختارهای نوین سیاسی و حکومتی در جهان بوده و هستند. البته باید اذعان کرد که قاره اروپا پیش‌قراول بسیاری از این نظریات سیاسی و اجرایی بوده که در کشورهای مختلف جهان به کار بسته شده است و در حال حاضر هم بخش عمده‌ای از آن‌ها به صورت بالقوه و بالفعل توسط ایرانیان مورد استفاده قرار گرفته است.

ویژگی کتاب حاضر و نوآوری آن در مطالعه «موضوعی» و نه «موردی» سیاست و حکومت در اروپاست. در واقع وجه تمایز آن با سایر آثار مشابه در این است که اگر پیش‌تر، بیشتر به تاریخ تحولات سیاسی و بین‌المللی اروپا و یا اصول و مبانی فکری و اندیشه‌ای دولت‌های اروپایی پرداخته می‌شده است، این بار تلاش بر آن بوده که در قالب ساختارهایی موضوعی به مباحث عملی و اجرایی دخیل در ساخت و سازهای سیاسی دولت‌ها و حکومت‌های اروپایی نیز پرداخته شود. بنابراین کتاب حاضر به دنبال بیان و آنالیز کلیاتی واحد و الگوهای ثابت است که در پیدایش و سپس کارکرد سیستم‌های سیاسی و حقوقی اروپایی

مورد استفاده قرار گرفته و حیات سیاسی اروپا بر آن‌ها استوار است. اعتقاد بر آن است که با مفروض دانستن حاکمیت آراء و اندیشه‌های لیبرالیستی و اصول و مبانی دموکراسی، به لحاظ عملی و اجرایی، تحولات ساختاری و کارکردی یکسان و مشابهی نزد نهادها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی اروپایی وجود داشته و شاهد الگوهای ثابتی از فرایند توسعه و رشد نظام‌های دولتی و حکومتی در قاره اروپا هستیم.

در بخش اول کتاب و در قالب سه فصل جداگانه به بررسی شکاف‌های فعال اروپایی بر اساس مطالعه مفهوم شکاف یا گسل سیاسی، عوامل گسترش و نهادینگی آن‌ها و سپس بیان مهم‌ترین شکاف‌های اروپایی می‌پردازیم. درحقیقت، بررسی تضادها، تعارضات و شکاف‌های مختلف در جوامع بشری به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات دولت‌ها حائز اهمیت بسیار است. زیرا در صورت دوام و پایداری شکاف‌ها و فعال و سیاسی شدن آن‌ها، شاهد تأثیرگذاری بر ساختارها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی و ایجاد تقسیمات، جدایی‌ها و رقابت‌های سیاسی هستیم. در تاریخ سیاسی اروپا، شش شکاف اجتماعی فراگیر وجود داشته که بر پایه آن‌ها نه تنها عمل و آگاهی سیاسی، بلکه رقابت‌ها و قواعد بازی‌های سیاسی در اروپا تکوین یافته‌اند. بنابراین در قالب عناوینی جداگانه به بررسی تضادهای طبقاتی و تعارضات مذهبی و سپس دو گرایش سیاسی راست و چپ اروپایی که محصول آن‌ها هستند خواهیم پرداخت. در ادامه انقلاب پسا صنعتی اروپایی و گسل‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از آن بررسی و سپس مبحث یوروسپتسیسم که عامل جدایی و همبستگی جدیدی در دوران پساتحادیه اروپاست، مطالعه خواهد شد. سرانجام موضوع سرزمین و سیاست و شکاف‌های اقلیمی که در حال حاضر در زمره فعال‌ترین شکاف‌های اروپایی هستند، بر اساس مطالعه موردی مهم‌ترین گرایش‌های گریز از مرکز در درون دولت‌های بزرگ اروپایی، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

بخش دوم به قوه مقننه و پارلمان در اروپا اختصاص دارد. در این بخش کارکردهای سه‌گانه نمایندگی، تصمیم‌گیری (قانون‌گذاری) و نظارت که از وظایف بنیادین مجالس اروپایی است، در قالب سه فصل جداگانه بررسی می‌شود. در خلال فصول مختلف این بخش، مباحثی چون سیستم‌های مونو و بی‌کامرالیسم، مجالس عالی و مجالس ملی، تعامل میان قوه مجریه و مقننه، مسئولیت دولت در قبال مجلس و اهرم‌های فشار مجلس در مقابل دولت و در نهایت کمیسیون‌های تخصصی و نقش آن‌ها در قانون‌گذاری در اروپا و سایر مباحث مرتبط مطرح می‌شوند.

در بخش سوم قوه مجریه و سازماندهی دولت و حکومت در اروپا تجزیه و تحلیل می‌شود. در خلال فصول مختلف الگوهای سازماندهی قوه مجریه، قدرت اجرایی و نقش رئیس دولت و رئیس حکومت در اروپا بحث و بررسی می‌شود. در فصل اول با عنوان سازمان سیاسی جوامع بشری و اروپایی، نحوه تعامل قوای سه‌گانه در نظام لیبرال دموکراتیک اروپایی و اشکال اجرایی مختلف در رژیم تفکیک قوا ارزیابی می‌شود. فصل دوم به بررسی جایگاه سیاسی و ساختار حقوقی قوه مجریه مونوسفال و بی‌سفال یا همان سیستم ریاستی و پارلمانی، و فصل سوم به بررسی اشکال مختلف و کارکردهای متفاوت رؤسای دولت و حکومت در قوه مجریه دو رأسی که الگوی غالب در اروپاست، اختصاص دارد. همچنین در عنوانی جداگانه در فصل آخر به موضوع هیئت وزیران و الزامات پارلمانی، اجتماعی و سیاسی در انتخاب آن‌ها و سپس سلسله‌مراتب حقوقی حاکم میان وزیران حقیقی در کابینه‌های مختلف اروپایی پرداخته می‌شود.

سرانجام آن‌که بخش چهارم کتاب به مطالعه نظام حزبی و احزاب سیاسی در اروپا اختصاص یافته است. در سه فصل ابتدایی این بخش به مباحث عمده‌ای همچون تعریف و شناخت احزاب سیاسی، ارتباط آن‌ها با دولت و جامعه مدنی و پیوند ناگسستنی آن‌ها با اصول لیبرال دموکراسی اروپایی پرداخته می‌شود. همچنین جایگاه حقوقی و سیاسی احزاب در ساختار سیاسی اروپایی مورد بازنگری قرار می‌گیرد. فصل چهارم به موضوع مهم رابطه احزاب و قدرت سیاسی در اروپا پرداخته، فصل پنجم سازمان احزاب سیاسی را در قاره سبز مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. آخرین فصل از بخش احزاب سیاسی به ایدئولوژی و دکترین‌های حاکم بر احزاب مختلف اروپایی به عنوان رفرنس‌های شناختی و کدهای رفتاری آن‌ها اختصاص می‌یابد. سپس هفت خانواده حزبی اروپایی که به حیات سیاسی دولت‌ها شکل می‌دهند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

اگر چه قصد بر آن بود که در قالب بخش‌ها و فصول بیشتری به مباحث گسترده‌تری در خصوص «سیاست و حکومت در اروپا» پرداخته شود، اما عللی چون حجم بالای صفحات کتاب و کمبود وقت باعث شد که به مطالب حاضر بسنده کنیم. البته مطالب کتاب حاضر در انطباق با سر فصل‌های درسی «سیاست و حکومت در اروپا» (الف) و (ب) در مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی به رشته تحریر درآمده است؛ امید می‌رود که اجابت‌کننده نیازهای علمی و پژوهشی دانشجویان و دانش‌پژوهان در حوزه‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و مطالعات اروپا باشد.

کتاب حاضر محصول تجربیات بیش از یک دهه اقامت نگارنده در فرانسه، در قالب تحصیلات عالی و مشاغل فرهنگی و سیاسی، و نزدیک به دو دهه تدریس دروس مختلف رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی و به‌ویژه درس «سیاست و حکومت در اروپا» در دانشگاه‌های ایران است. نگارش کتاب حدود پنج سال زمان برده و در تدوین آن از منابع دست اول بسیار و به‌ویژه منابع فرانسوی استفاده شده است. البته کتاب حاضر، مانند هر اثر انسانی دیگر، نقایص و کاستی‌های زیادی دارد و نیازمند ارزیابی و نقد علمی و ادبی است. بنابراین نگارنده از هرگونه پیشنهاد و نگرش اصلاحی برای چاپ‌های آتی کتاب استقبال می‌کند.

نرود بی مدد لطف تو کاری از پیش ...

سید محمد طباطبائی

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

بهمن ۱۳۹۷